

## (حزب دمکرات و زیگزاگهای استراتژیک)

حزب دمکرات کردستان ایران، در کنگره سیزدهم این حزب (که در ژوئیه 2004 برگزار گردید) برنامه خود را از مطالبه خودمختاری به خواست فدرالیسم تغییر داد.

تغییر برنامه حزب دمکرات، تلاشی است در راستای همگرایی و هدف عمومی احزاب و جریانهای اپوزیسیون لیبرال خارج از حکومت جمهوری اسلامی که قصد دارند يك الترناتیو به قول خودشان مدرن، لائیک، دمکراتیک و فدرال را به توافق عمومی تبدیل کرده و بدین وسیله به دو هدف زیر نائل آیند.

اول\_ رکود ناشی از شکست اصلاح طلبان حکومتی را که به شکلی همه اپوزیسیون لیبرال و سوسیال دمکراتهای ایران را در بر گرفته تغییر داده و آلترناتیو خود را برای آینده ایران بعد از جمهوری اسلامی جمع و جور نمایند.

دوم\_ بعد از حمله آمریکا به عراق و وعده آمریکا برای استقرار دمکراسی در خاورمیانه و توافق عمومی احزاب سیاسی کردستان عراق بر سر فدرالیسم همانند استراتژی آنان برای رفع ستم ملی، حزب دمکرات (و پیش از آن سازمان زحمتکشان کردستان ایران) نیز با یقین به اینکه نقشه آمریکا برای دگرگونی در منطقه قطعی است و با اطمینان به اینکه این دگرگونی در راستای همان تغییراتی است که در عراق پیش آمده، الگوی کردستان عراق را در این مقطع زمانی مناسب ترین الگو دانسته و قصد دارند خود را با آن هماهنگ نمایند و در اعمال سیاستها و اقدامات محتمل آمریکا در ایران، به همراه مؤتلفین خود شریک آمریکا باشند.

اگر چه این اولین بار نیست که حزب دمکرات کردستان ایران به تناسب اوضاع سیاسی ایران، استراتژی خود را در رابطه با حل مساله ملی تغییر می دهد، اما چرخش کنونی حزب دمکرات از شعار "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" به شعار "فدرالیسم" به احتمال زیاد در آینده ای نه چندان دور رهبری این حزب را مجبور می کند تا به شعار قبلی خود رجعت نماید.

من سعی می کنم دلایل این امر را به طور مختصر توضیح دهم:

1) بدون شک شیوه اداره فدرالی یک کشور مساله جدیدی نیست و در دنیا کشورهای زیادی را میتوان دید که به همین شیوه اداره می شوند. اما فدرالیسم بعنوان یک راه مشخص برای حل مساله ملی نمونه های پایدار زیادی ندارد و در دوره های کوتاه مدت حیات خود و از جمله در اتحاد شوروی سابق سرنوشت آن به

سرنوشت آینده دولت مرکزی و ماهیت آن دولت گره خورد. اما بهر حال بعنوان یک شیوه اداره کشور همواره بر دو اصل اساسی متکی بوده است. اول- تقسیم قدرت به طور عمودی مابین حکومت مرکزی و حکومت ایالت ها یا مناطق فدرال.

دوم- ادغام داوطلبانه ایالت‌های فدرال در یک سیستم سیاسی متحد. این دو اصل همواره در ارتباط مستقیم با هم بوده و تحقق یکی از اصول عملاً در گرو اصل دیگر بوده است و در واقع باید حکومت یا قدرت سیاسی به طور عمودی تقسیم شده باشد تا متعاقباً از ادغام آنها بتوان به یک سیستم متحد رسید. یا بر عکس باید ایالت‌ها یا دولت‌ها و یا ملتها به وحدت سیاسی رسیده باشند تا بتوانند به سهولت و آزادانه قدرت و حاکمیت را به طور عمودی بین خود تقسیم نمایند و از تمرکز قدرت به پرهیزند و بر اساس قواعد معینی از حقوق متساوی بهره مند گردند.

شعار سابق حزب دمکرات یعنی " دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" بطور ضمنی این دو اصل فوق را تضمین می نمود و حزب دمکرات تلویحاً خطاب به توده های مردم ایران و تحقیقاً خطاب به توده های مردم کردستان ایران می گفت که این دو اصل لازم و ملزوم یکدیگرند و تحقق یکی بدون دیگری تقریباً غیر ممکن است. اگر بحث خودمختاری را از ماهیت دولت مرکزی جدا کنیم در این جا هم نمیتواند صحبتی از رفع ستم ملی در میان باشد.

اما در شعار سابق حزب دمکرات بدون اینکه نامی از فدرالیسم برده شده باشد، در برگزیده دو اصل اساسی فدرالیسم که فوقاً اشاره شد بوده و لازم نبود حزب دمکرات با تغییر استراتژی خود ( که این حزب تاریخاً با آن شناخته شده بود) خود را به دردرسر های تغییر شعار قدیمی تر و جا افتاده خود بیندازد .

حزب دمکرات کردستان ایران، در استراتژی قبلی خود، مبارزه مردم کردستان را به مبارزه مردم ایران گره زده بود و تامین حقوق مردم کردستان را به عنوان خود مختاری زمانی تحقق یافته می دانست که با مبارزه مشترک توده های مردم ایران و مردم کردستان آن چنان حکومت دمکراتیکی بر سر کار آید که حق خود مختاری را برای مردم کردستان برسمیت بشناسد.

شعار " دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" در عین حال امکان مانور را از حزب دمکرات سلب نمی کرد و حزب دمکرات میتواند محتوای خودمختاری خود را به توجه با تناسب قوا در هر مقطع تعیین کند .

شعار کنونی "فدرالیسم" حزب دموکرات و بیژگی کردستان و مساله کرد را نادیده میگیرد و آنرا هم ارز مساله ملی در باقی نقاط ایران قرار میدهد و از این طریق به لیبرالهای ایران اطمینان خاطر می دهد که نگران جدا شدن کردستان از ایران نباشند.

و این نه راهی برای حل مساله کرد بلکه "ابتکاری" برای حفظ تمامیت ارضی ایران است و همین نقطه مشترک این شعار حزب دموکرات با ناسیونالیستهای ایرانی است.

همانطوریکه اشاره شد نه شعار خودمختاری و نه شعار فدرالیزم که هر دو محتوای به یک سان مبهمی دارند هیچکدام بخودی خود پیام آور حل مساله کرد نیستند و تجربه تاریخی هم نشان داده است که این سیستم ها ممکن است بتوانند مانع تمرکز قدرت باشند، اما فرسنگها با داشتن حق جدایی و حق تشکیل دولت مستقل فاصله دارند. با این تفاوت که شعار قبلی لا اقل این افق را در برابر حزب دموکرات و هوادارانش در کردستان باز میکرد که با برقراری دموکراسی در ایران استفاده از حق جدایی هم در دسترس خواهد بود.

شعار فدرالیسم تعجیلی است که این حزب در الگو برداری از وضعیت کردستان عراق به عمل آورده و امیدواری توهم آمیزی که به سیاستهای آمریکا در منطقه پیدا کرده است بدون شک این حزب را در ارتباط با مساله ملی کرد در موقعیت ضعیف تری در مقایسه با گذشته قرار می دهد.

2) مقایسه برنامه حزب دموکرات پیش از کنگره اخیر با برنامه این حزب مصوب کنگره سیزده آن (ژوئیه 2004) مبین این حقیقت است که در محتوای خود مختاری (آنچه که قبلا دموکرات مطالبه می کرد) و فدرالیزم (که اکنون مطالبه می کند) ، تفاوت چندانی مشاهده نمی شود و وجه تمایز این دو شعار فقط در کلمه خود مختاری و فدرالیزم است، اما وجه تمایز واقعی را بایستی در استراتژی یا به عبارتی چه باید کرد این حزب جستجو کرد . دو رکن این استراتژی جدید عبارتند از : همگرایی با ناسیونالیست لبرالهای ایرانی و انطباق دادن خود با سیاستهای آمریکا در منطقه.

پلاتفرم "ایالت متحده دموکراتیک فدرال ایران" در غیاب یک جنبش قوی کارگری و سوسیالیستی و در غیاب جنبش های متعدد آزادی بخش و انقلابی در میان ملت های موجود در ایران فقط خواب و خیالی است که در پرتو امیدواری به دخالت آمریکا قابل تحقق است.

به عنوان مثال حزب دموکرات در گزارش سیاسی مصوب کنگره سیزدهم که از طرف کمیته مرکزی این حزب ارائه شده است، در سر فصلی تحت عنوان "خاورمیانه بزرگ" (یعنی خاورمیانه به اضافه ایران و افغانستان) بر این باور است که سیاست امپریالیزم در منطقه خاورمیانه عوض شده و آمریکا به عنوان بزرگترین نیروی جهان مدافع آزادی و دموکراسی است و این حزب باید از همکاری با آمریکا استقبال کرده و از آن استفاده نماید.

تغییر شعار حزب دمکرات از "خودمختاری" به "فدرالیسم" در حالیکه محتوای این دو استراتژی از نظر مردم کردستان ایران و در برنامه های حزب دمکرات تفاوت قابل ملاحظه ای نکرده، عملاً در باغ سبزی است که نه تنها حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان کردستان ایران و راه کارگر و اکثریت و ..... بلکه بخش بزرگی از اپوزسیون لیبرال خارج از حکومت جمهوری اسلامی را وسوسه کرده تا در سرنگونی قریب به یقین رژیم جمهوری اسلامی توسط ایالت متحده آمریکا سرشان بی کلاه نماند و در لویی جرگه و یا حکومت موقتی که در نتیجه دخالت‌های آمریکا در ایران تشکیل خواهد شد شریک شوند.

ممکن است تحلیل حزب دمکرات از دخالت آمریکا و قدرتهای بزرگ غربی در اوضاع سیاسی ایران در کوتاه مدت بتواند شور و شوق و نور امیدی را در صفوف این حزب بوجود آورد، اما از آنجا که این نور امید ناشی از توهم این حزب به آمریکا در دفاع از "آزادی و دمکراسی" است، یقیناً در میان مدت نه تنها استراتژی جدید حزب دمکرات را به بن بست می کشاند و موجب رجعت این حزب به گذشته خواهد شد، بلکه در حدی که تبلیغات حزب دموکرات می تواند موثر باشد موجبات بی نقشی توده های مردم کردستان و گسترش امیدهای واهی به سیاستهای آمریکا را فراهم می سازد.

محمد نبوی

2004/9/18